

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان مقاله :

پارادایم مدیریت دولتی نوین و "شبه" پارادایم ها در هزاره سوم

محقق:

حدیث نظری

عنوان کنفرانس:

کنگره ملی مدیریت

## زمستان 97

### خلاصه:

در سالهای هشتاد قرن بیستم، با آغاز حرکت‌های تغییر دولت توسط دپارتمان‌های دولتی غرب پارادایم مدیریت دولتی نوین را ایجاد کرد که سهم بزرگی در علوم مدیریت دولتی و اداره امور دولتی در آن زمان داشت. اما با رشد اجتماع شهری و عمیق شدن فرایند تفاوت اجتماعی، پارادایم «مدیریت دولتی نوین» توسط رشته اداره امور دولتی و فعالیت‌های بخش‌های دولتی حکومت مورد سوال قرار گرفت که منجر شد به شکل‌گیری شبه پارادایم «حاکمیت دولتی نوین». پارادایمی که منبع نظری اش سوسیالوژی سازمان و شبکه اجتماعی بود اهمیت زیادی برای بازسازی سیستم مدیریتی فعلی در کشورها و ساخت و تکمیل سیستم نظری اداره امور دولتی داشت. اما این رویکردها پارادایمی منسجم شکل نمی‌دهند و چارچوب‌های متفاوتی از مرجع دارند اما بعضی از مشترکات قابل شناسایی هستند که آنها را از سنت‌های قبلی مجزا می‌کنند و اساسی برای یک گزینه منسجم فراهم می‌کنند. رویکرد حاکمیت دولتی جدید مطرح شده توسط اوزبورن نقطه شروع خیلی متفاوتی از دو سنت مدیریت دولتی قبل تر اتخاذ می‌کند. بر خلاف تاکید روی سلسله مراتب بروکراتیک و منافع مدیریتی به شکل مشخص کردن ویژگی‌های مدیریت دولتی سابق و اختیارات مدیریتی و مکانیسم‌های قراردادی همراه با NPM، رویکرد NPG شهروندان را در مرکز چارچوب مرجع خود قرار می‌دهد تا حکومت. روش خدمات دولتی جدید (NPS) شاید منسجم‌ترین مورد از این روش‌هاست. اساس این روش تمرکز مدیریت دولتی روی شهروندان، اجتماع و جامعه مدنی است. در این مفهوم نقش اصلی خادمین دولت کمک به شهروندان برای بیان و رسیدن به منافع مشترکشان است تا کنترل جامعه. این کاملاً بر عکس فرض روش NPM است که در آن مذاکرات بین مدیریت دولتی و مشتریان منافع فردی را منعکس می‌کند و توسط قوانین بازار شکل می‌گیرد.

**کلمات کلیدی:** شبه پارادایم<sup>۱</sup>، مدیریت دولتی نوین<sup>۲</sup>، مدیریت پسا نوین<sup>۳</sup>، حاکمیت دولتی نوین<sup>۴</sup>، خدمات دولتی نوین<sup>۵</sup>

- 
- 2-Quasi-paradigm
  - 3- new public management
  - 4- post new public management
  - 5- new public governance
  - 6- new public service